



## «عنب» یا «ازوم» یا «انگور»

آب کالایی عمومی، خاص (بی جایگزین) و در عین حال کالایی اقتصادی می‌باشد. نقش آب در تولید غذا و پایداری توسعه (بویژه در مناطق خشک و نیمه خشک) بی‌بدیل است. این دو گزاره نشان می‌دهند که مدیریت آب امری است بسیار پیچیده و گسترده که با موضوعات متنوعی سروکار دارد. تا قبل از دولت یازدهم، نگاه غالب در مدیریت آب کشور، دیدگاه مهندسی و پروژه محور، آن هم با تمرکز بر کمیت آب بود. با استقرار دولت یازدهم، چرخشی تاریخی برای اصلاح مدیریت آب کشور آغاز شده که هر روز شتاب و توسعه بیشتری می‌یابد. اکنون، اصلاح اوضاع آبی کشور نیازمند اقدامات فوری با هدف احیاء پایداری است. اقدام آغازین، جلب همکاری و مشارکت گرداران و کسب اجماع نسبی ایشان در مورد «برنامه‌ی احیاء پایداری در رابطه با آب در مقیاس حوضه‌ای» است. این فرآیند به شدت نیازمند گفتگو و دیالوگ است. متأسفانه، ابهام‌های فراوانی در تعاریف و مفاهیم مرتبط با مباحث آبی وجود دارد که فضای گفتگو را غبارآلود می‌کند.

در واقع، هر کنشگر (یا گروه کنشگر) بر اساس درکی که از موضوع دارد (Perception) و مطلوبیت‌های مورد نظرش (Interest) موضع مشخصی را اتخاذ و ابراز می‌دارد. دیالوگ کمک می‌کند تا اولاً: درک کنشگران از ماهیت موضوعات «پایداری و آب» و نیز از وضعیت جاری<sup>۱</sup> حوضه در ارتباط با این موضوعات و حتی از آینده‌ی پیش‌رو (سناریوها) بتدریج همگرا گردد. ثانیاً: موجب می‌گردد کنشگران از مطلوبیت‌ها و خواسته‌های یکدیگر بطور مستقیم و کامل آگاه گردند. بدون زبان مشترک، نمی‌توان به این نتایج دست یافت.

دیالوگ در فارسی به «گفتگوی هم‌افزا و مؤثر» ترجمه می‌گردد؛ و یا گفت و شنیدی دو طرفه بر سر موضوعی مورد علاقه و توجه طرفین به منظور دستیابی به توافق. اگرچه هر طرف سعی دارد تا رایه دلایل و شواهد، نظر طرف مقابل را به سمت خودش جلب نماید، اما بنیاد دیالوگ مبتنی بر هم‌افزایی و برای دستیابی به مفاهیم است. زمینه‌ساز چنین دیالوگی پیرامون موضوع مشترک «آب و پایداری»، رفع سوء تفاهم‌ها و ایجاد اعتماد متقابل میان گرداران است. اما، اعتماد متقابل بریستر شفافیت و نیز محیط انصاف و هم‌ترازی در گفتگو می‌روید. افزون بر این، گفتگوی

مؤثر نیازمند سه عنصر «مهارت جلسه‌داری»<sup>۲</sup>، «مهارت گفتگو» (و نه مهارت سخنوری) و «فرهنگ لغات مشترک» است، تا به کمک آنها دستیابی به مفاهیم (یا اجماع نسبی) در کوتاه‌ترین زمان ممکن گردد. عدم این سه عنصر موجب بی‌ثمری جلسات گشته و بتدریج منجر به بی‌علاقگی شرکت کنندگان می‌گردد.

در این مجمل، فقط به چند ابهام موجود در تعاریف و کلمات پرکاربرد در حوزه مدیریت آب اشاره می‌شود تا تأکیدی بر ضرورت رفع ابهام از تعاریف و کلمات و نیز تنبیهی برای پرهیز از شلختگی در گفتگوهای فنی و مدیریتی در حوزه آب گردد. بدان امید که گرداران با درک بهتر نظرات یکدیگر، آسان‌تر و سریع‌تر به اجماع نسبی دست یابند و بر آن اساس برنامه رسیدن به پایداری را جامع‌تر تدوین و سپس پیاده‌سازی نمایند. بدیهی است که در بهترین حالت، در زبان تخصصی هر کلمه فقط و فقط باید بر یک مفهوم و محتوا دلالت داشته باشد؛ و هر مفهوم نیز باید صرفاً با یک کلمه خاص بازخوانی گردد. به موارد زیر توجه فرمایید:

۱- برای هر دو کلمه Source و Resource در فارسی از کلمه «منابع» استفاده می‌شود. یعنی تمایز میان آنها نادیده گرفته می‌شود. در حالیکه Source بر نقاط برداشت آب و Resource بر کلیت منابع آب دلالت دارند.

۲- کاربرد کلمه «مصرف» یا مصارف به جای هر دو مفهوم Use و Consumption رواج دارد. البته برای مفهوم Consumption عبارت «مصرف خالص» تعیین گشته اما کاربرد آن فقط به گزارش‌های بیلان محدود است. این مورد موجب عدم توافق در تعیین سهم کاربری‌های مختلف آب از برداشت و از مصرف شده است. همچنین باید اشاره نمود که کلمات برداشت، عرضه و کاربرد با یکدیگر تفاوت دارند.

۳- به تمایز میان Water Conservation و Water Demand با Management توجه شود و کلمات Conserve و Protect با یکدیگر معادل فرض نگردند.

۴- برای عبارت Virtual Water عبارت «آب مجازی» به کار برده می‌شده است. اخیراً عبارت «آب نهان» نیز مطرح شده است. باید پرسش نمود که وقتی یک عبارت گویا وجود دارد، چه نیازی به عبارت دوم است؟ ضمن اینکه، دو عبارت Virtual Water و Hidden Water معنی واحدی ندارند.

۵- هنگام گفتگو از «بحران آب»، تفاوت نگذاشتن میان «بحران تأمین آب شهری» و «بحران پایداری منابع آب» موجب سردرگمی شده است. اولی در بازه‌های زمانی سالانه مد نظر است و بسیاری مواقع با برداشت بیشتر از منابع آب، بطور موقت مشکل حل می‌شود. این در حالی است که، وضعیت دومی در اثر برداشت بیشتر وخامت بیشتری می‌یابد.

## یادداشت کوتاه



### سیاست‌گذاری در حوزه آب و فاضلاب

۶- برای هر دو کلمه Forecast و Prediction در فارسی از کلمه «پیش‌بینی» استفاده می‌شود. یعنی تمایز میان آنها نادیده گرفته می‌شود. در حالیکه Prediction با استفاده از داده‌های گذشته، احتمال وقوع رویدادهای آب و هوایی را گزارش می‌نماید؛ و Forecast با استفاده از مدل‌ها، آینده این رویدادها را برای مدت محدود شبیه‌سازی می‌کند.

سردرگمی در تعاریف یا تمایز میان بسیاری زوج کلمات دیگر مانند «حکمروایی و حکمرانی»، «آینده‌پژوهی و آینده‌نگری»، «گرودار و کنشگر»، «مدل رایانه‌ای و نرم‌افزار مدل‌سازی»، «شاخص و نشانگر»، «اعتبارسنجی و صحت‌سنجی» و ... نیز وجود دارد. این همه نیازمند اقدام ملی برای استاندارد نمودن تعاریف این کلمات و عبارات می‌باشد. حتی مواردی چون «مجوز برداشت» و «تخصیص سالانه» نیازمند تعریف دقیق‌تر هستند. در هر حال،

این تعاریف باید بر اساس توافق جمعی متخصصین دانشگاهی و حرفه‌ای شکل یابند و باید منتشر گشته و در دسترس همگان قرار گیرند. باشد که تعارضاتی از جنس «داستان عنب و ازوم و انگور» مولانا شامل حال ما نگردد.

#### پی‌نوشت:

۱- این مورد نیازمند شفافیت و دسترسی همه کنشگران به داده و اطلاعات است.

۲- خواندن مقاله «جلسه‌داری: نقش و آسیب‌شناسی آن در اداره کشور» از دکتر رضا منصوری (فصلنامه رهیافت، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۸۳) را توصیه می‌نمایم.

۳- مقاله تحلیلی<sup>۳</sup> ابهام‌زدایی از مفاهیم پایه در حوزه مدیریت آب: «گروداران آب چه کسانی هستند؟» را در همین شماره ملاحظه فرمایید.

اجتماعی، هویت نوینی یافته است. بر این اساس، «آب» یک موضوع میان رشته‌ای است و گفتگو پیرامون آن، ابعاد مهندسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و حتی نظامی را دربر می‌گیرد؛ که این امر منجر به چند وجهی بودن و پیچیدگی سیاست‌گذاری در حوزه آب گردیده است.

برای فائق آمدن بر دشواری‌های پیش‌روی و تحقق اهداف در ارائه خدمات مناسب آب و فاضلاب، بایستی بین ملاحظات سیاسی و دانش فنی، پیوند برقرار شود و پاسخگویی به تقاضاهای آب، نیازمند راه‌حل‌های غیرسازهای و رویکردهای کاملاً جدید در برنامه‌ریزی و مدیریت می‌باشد. در این راستا می‌توان گفت رویکردهای مدیریتی در حال حاضر مهم‌ترین سیاست‌های اثرگذار مطرح در حوزه آب و فاضلاب می‌باشند.

در افق آرمانی یک نظام مطلوب، نظام مدیریت آب و فاضلاب، خدمات پایدار خود را بر پایه استفاده معقول از منابع طبیعی با لحاظ داشتن همزمان و متوازن ملاحظات مهندسی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی و با رعایت سه اصل زیر به عینیت مبدل می‌سازد:

- مشارکت حداکثری ذی‌نفعان و سرمایه‌گذاران
- به حداقل رساندن پیامدهای زیست‌محیطی
- بهره‌وری حداکثری از منابع آبی استحصال شده
- به‌روز رسانی نیروی انسانی و تأسیسات

معمولاً بحران آب به عنوان عدم تعادل بین عرضه و تقاضای آب به حساب می‌آید. در صورتیکه این مسأله فراتر از یک پدیده فیزیکی و هیدرولوژیکی است. بحران آب به شکافی فراگیر در ابعاد نهادی و اقتصادی در توسعه، بهره‌برداری و مدیریت منابع آب برمی‌گردد. بنابراین با شرایط کنونی کم‌آبی، ضمن بررسی وضعیت موجود قوانین، سیاست‌ها و مدیریت‌های منابع آب، نیاز است اصلاحات نهادی جهت بروز کردن نهاد آب انجام شود.

روال عمومی مدیریت و سیاست‌گذاری آب در سطح جهان تا آغاز دهه ۱۹۸۰، صرفاً به دنبال عرضه آب بیشتر برای تأمین تقاضای جمعیت رو به رشد بود. متأثر از این رویکرد، مبنای توسعه منابع همواره تک‌منظوره بود. چنین رویکردی به روابط درونی و پیچیدگی‌های محیط طبیعی و انسانی و برهم کنش آن‌ها توجهی نداشت. در دنیای امروز، آب به عنوان کالایی اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی و

در این راستا راهبردهای مدیریت آب و فاضلاب شامل جلب حمایت سیاسی به موضوع آب و فاضلاب، درگیر ساختن مصرف‌کنندگان در چاره‌اندیشی برای دشواری‌های پیش‌روی آب، تحکیم مشارکت‌های منطقه‌ای و بین‌بخشی و تحرک بخشیدن و جلب توجه مصرف‌کنندگان به بحران آب خواهد بود و همواره توجه به اصول فوق‌بایستی در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان این حوزه لحاظ گردد.

وزارت نیرو در بخش آب و فاضلاب با ایفاء نقش مهمی در توسعه پایدار کشور، عهده‌دار تأمین پایدار نیازهای پایه شرب و بهداشتی و همچنین جمع‌آوری، انتقال و تصفیه فاضلاب، استفاده مجدد و یا دفع بهداشتی پساب است. این بخش با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت، تدوین دستورالعمل‌ها و پیشنهاد لوایح مورد نیاز همواره درصدد است تا خدمات آب و فاضلاب را با استفاده از روش‌های مختلف فنی و اقتصادی و مطابق با استانداردهای ملی و بین‌المللی در اختیار جامعه قرار دهد. باتوجه به لزوم دستیابی به توسعه پایدار در مدیریت آب شهری می‌توان تعدادی از مهم‌ترین محورهای تأثیرگذار در سیاست‌گذاری حوزه آب و فاضلاب را اینگونه عنوان نمود:

- توسعه سامانه‌های جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب، بازچرخانی و استفاده از پساب با کیفیتی متناسب با نوع مصرف، محیط پذیرنده و مکانیزم بازار در راستای حفاظت کمی و کیفی منابع آب و محیط زیست

- تدوین و پیاده‌سازی نظام جامع بهره‌برداری و پایش کمی و کیفی منابع آب در بخش آب شرب و بهداشتی و اعمال استانداردها و مقررات لازم برای جلوگیری از ورود آلاینده‌ها و تخلیه فاضلاب خام به محیط‌های پذیرنده طبیعی

- توسعه مدیریت خطرپذیری (ریسک) و بحران و پدافند غیر عامل در طراحی، ساخت و بهره‌برداری از تأسیسات با رویکرد استمرار ارائه خدمات و کاهش آسیب‌پذیری سازه‌ها و تأسیسات

- تنوع بخشی به سامانه‌های تولید و توزیع آب شرب و بهداشتی و بهره‌گیری از آب‌های نامتعارف (مانند جمع‌آوری آب باران، استفاده از رطوبت هوا، ایستگاه‌های توزیع آب، آب شیرین‌کن‌ها، بسته‌بندی آب، سیستم‌های دو شبکه‌ای، تفکیک آب برای مصارف مختلف و...)

در نهایت بایستی اشاره کرد، مدیریت آب در سطوح ملی، سازمانی و محلی باید اولویت‌های کلان توسعه را پشتیبانی کند و استراتژی‌هایی را در پیش گیرد که از فرصت‌های توسعه بهره‌برداری کند. مدیریت خوب آب باید بتواند با در نظر داشتن ملاحظات کیفیت و کمیت، مدیریت آب‌های سطحی و زیرزمینی را یکپارچه کند. اقدام‌ها و اثرات بخش‌های مختلف مصرف را یکپارچه نماید. حوضه آبریز را واحد مدیریت قرار دهد تا بتواند مسائل مهندسی، اجتماعی، اقتصادی و... را حل کرده و سیاست‌های ملی توسعه را محقق سازد.